

## ثبات نرخ ارز ما را متحیر و سرگردان می‌کند

**ماهنامه پسته** - رییس کمیسیون باغبانی انجمن پسته ایران در همایش ملی پسته در دانشگاه باهنر کرمان گفت: برخلاف بادام، فندق و گردو که سابقه‌ی حضور چندصدساله در بازارهای اروپایی دارند، پسته تا حدود ۶۰ سال پیش برای اروپایی‌ها ناشناخته بود.

مهدی آگاه افزود: من در سال‌های بین ۴۱ تا ۴۶ در انگلستان تحصیل می‌کردم، در آن زمان کسی را ندیدم که کلمه پسته به گوشش خورده باشد. حتی در یک مسابقه رادیویی که یک عده از افراد خبره‌ی جامعه مورد پرسش قرار می‌گرفتند، کسی به این سوال که "پسته یک سبک معماری ایتالیایی است، یا نام یک نحله‌ی فکری است، یا اینکه خشکبار درختی است؟" پاسخ صحیح نداد. او افزود: من در آنجا دوست دانشجویی داشتم و پسته به او تعارف کردم، پسته را با پوست در دهانش گذاشت و گفت: این چیست؟

### بازرگانی

آگاه ادامه داد: اما در ۶۰ سال اخیر همزمان با باغریزی گسترده در ایران و تولید تجاری این محصول، کوشش‌های شایان توجهی از جانب باغداران بزرگ و تجار پسته، برای معرفی این محصول به جهانیان صورت گرفت. به طوری که در دو سال متوالی، در اوج برداشت پسته از باغات رفسنجان در دهه‌ی ۷۰ شمسی، سالانه حدود ۹۰ هزار تن پسته ایرانی در اروپا عرضه شد. این در حالی بود که در سال ۱۳۳۱ تولید پسته ایران کمتر از ۲ هزار تن بود.

رییس کمیسیون باغبانی انجمن پسته ایران افزود: در آن زمان ترکیه کمی بیشتر از ما تولید می‌کرد، مثلاً هزار تن بیش از ما تولید می‌کرد. در خانواده‌ی ما هر روز بحث این بود که با تولید "انبوه" ترکیه ما امسال با پسته‌مان چه کنیم؟! حتی یک سال بعضی از تجار که به تازگی وارد این رشته شده بودند، پسته خریدند اما روی دستشان ماند. ده بالای یزد بردند و آنجا انبار کردند، تا از خطر کرم انباری در امان باشند که متأسفانه کالاهم خراب شد.

آگاه با اشاره به این که امروز بخش بازرگانی پسته، سابقه صادرات ۲۲۰ هزار تن پسته در یک سال محصولی را پشت سر دارد، گفت: مع‌الاسف با آن که تولید در سال‌های اخیر در منطقه کرمان کاهش یافته، اما افزایش قیمت آب در استان‌های دیگر، کشاورزان گندم‌کار را به سرمایه‌گذاری در ایجاد باغات پسته کشانده است. به نظر می‌رسد با به ثمر رسیدن باغات جدید، تولید پسته طی چند سال آینده از سطوح قبلی فراتر رود.

او با بیان این که هیچ باغداری نباید برغم افزایش تولید، دغدغه‌ی رویارویی با عدم تقاضا را داشته باشد، یادآور شد: توصیه‌ی من به باغداران جدید سایر استان‌ها آن است که با درس گرفتن از اشتباهات باغداران کرمانی، نسبت باغریزی به میزان آب موجود را مدیریت کرده و تسلیم حرص و آز نگردند. وگرنه بدبختی ایشان را وزارت نیرو باز هم چون گذشته، به خشکسالی نسبت خواهد داد!

آگاه در خصوص بازارهای صادراتی گفت: بازارهای صادراتی

را به ۳ گروه می‌توان تقسیم کرد، نخست بازارهای فعال فعلی که شامل خاورمیانه، کشورهای CIS، مناطق شهری چین و تا اندازه‌ای مناطق شهری شبه قاره هند هستند. وی افزود: گروه دوم بازارهای به ظاهر از دست رفته مانند اروپا، ژاپن و تا اندازه‌ای استرالیا هستند. گروه سوم بازارهای بالقوه شامل آمریکای لاتین، اندونزی و مناطق روستایی چین و هند هستند.

او یادآور شد: که کشورهای چین و شبه قاره هند با آن که هم‌اکنون ۶۰ درصد از پسته صادراتی ایران را به خود اختصاص داده‌اند، هنوز به هیچ وجه به ظرفیت بالقوه‌ی مصرف خود، نزدیک نیستند. آگاه افزود: سالانه در این دو کشور، قریب صد میلیون نفر به طبقات متوسط و مصرف‌کننده جامعه افزوده می‌شوند.

آگاه در خصوص احیای بازار اروپا، ژاپن و استرالیا تأکید کرد: اینطور نیست که از این بازارها کاملاً حذف شده و یا ظرفیت بازرگشت به آن‌ها را نداشته باشیم. این گروه‌بندی به خاطر آن است که در گذشته فروش خیلی بیشتری در این کشورها داشتیم و امروز فروش‌مان کاهش پیدا کرده است. او اظهار داشت: در میان بازارهای بالقوه باید به طور خاص از اندونزی نام برد. این کشور پرجمعیت‌ترین سرزمین اسلامی و رشد اقتصادی آن قابل مقایسه با غول‌های آسیایی است. تا امروز این بازار عظیم دست‌نخورده مانده است؛ نه پسته کالیفرنیا و نه پسته ایران، بازاریابی در این کشور را به خاطر کمبود عرضه، آغاز نکرده‌اند.

او با اشاره به نفوذ فرهنگ ایران، گفت: در دوران امپراطوری مغول در هند، زبان فارسی، به زبان مراودات بازرگانی در تمام آسیا تبدیل شد. این بسط فرهنگی، پسته را به یک خوردنی مطلوب در این جوامع تبدیل کرد، به طوری که با پیوستن طبقات کم‌درآمد به طبقه‌ی متوسط، پسته نخستین آجیل مطلوب این جوامع است.

او در ادامه با اشاره به چالش‌های بخش بازرگانی گفت: بازرگان حد واسط بین کشاورزی است که محصول خود را بلافاصله پس از برداشت عرضه می‌کند، و خریداری است که در طول ۱۲ ماه و به طور منظم باید محصول به دست وی برسد. پر کردن این شکاف زمانی، به دو چیز نیاز دارد؛ سرمایه‌ی کلان و دیگری پوشش ریسک نوسانات ارز که هر دوی این به بانکداری قوی و مستقل نیاز دارد.

آگاه با بیان این که تولید پسته در سال جاری به بیش از ۲ میلیارد دلار خواهد رسید، خاطر نشان کرد: تأمین منابع در بازار با سود ریالی ۳ درصد در ماه و ریسک نوسانات ارزی، بزرگترین چالش بخش صادراتی پسته را رقم می‌زند. این در حالی است که به خاطر رقابت کامل در بازار جهانی حاشیه‌ی سود صادرکننده در صورت خرید و فروش نقدی در مقادیر کمتر از ۳ درصد در نوسان است. صادرکنندگان بزرگ تا میزان ۱۵ هزار تن پسته به ارزش ۱۵۰ میلیون دلار را در مدت ۱۲ ماه باید جابجا کنند.

او ادامه داد: در حال حاضر ما فاقد سیستم بانکی لازم برای رقابت مساوی با صادرکنندگان کشور رقیب آمریکا هستیم.

آگاه ادامه داد: خریداران مایل‌اند قراردادهای خود را براساس دوره‌های ۶ ماهه و در قیمت‌های ثابت تنظیم کنند. چگونه می‌توان پسته را در آغاز فصل مثلاً کیلویی ۲۸ هزار تومان خرید، ۳ درصد در ماه صرف نگهداری آن کرد تا پس از ۸ ماه مثلاً حوالی اردیبهشت ماه به مشتری تحویل داد. آن‌چه قوز بالا قوز است، ممکن است در آن زمان دلار وصولی از روز خرید پسته هم ارزان‌تر باشد. در یکسال گذشته دلار ۳۶۰۰ تومانی به ۲۷۵۰ تومان هم رسید.

او با اشاره به این که مساله ایجاد امکان پوشش ریسک‌های ارزی در همه‌ی کشورهای دنیا از جانب بانک‌ها انجام می‌شود و امری روزمره است گفت: در ایران بانک‌ها از ارایه‌ی این گونه خدمات سر باز می‌زنند.

او با اشاره به این که بی‌اعتمادی به بانک‌ها یکی از چالش‌های بازرگانی در ایران است، گفت: در سال‌های اخیر حتی صادرکنندگان از سپردن ارز ناشی از صادرات خود به بانک‌ها پرهیز دارند. زیرا آخرین بار که نرخ تثبیت شده‌ی ارز رو به ترقی نهاد، همه‌ی بانک‌های کشور سپرده‌های ارزی صادرکنندگان را در حساب‌های خود حبس و از خرید و یا تأدیه‌ی آن به مشتری سر باز زدند. و از آن سو دلالتان خود را، برای خرید، جابجایی و مفت‌خری این‌گونه سپرده‌ها به جان صادرکنندگان افکندند.

او ادامه داد: حتی بانک مرکزی از وظیفه‌ی خود، که صیانت از سپرده‌های مردم است، به نفع این گونه دلالتان، استنکاف کرد.

آگاه به صراحت گفت: عدم برگشت ارز ناشی از صادرات از طریق سیستم بانکی کشور در ۲-۳ سال اخیر، ناشی از بی‌اعتمادی به بانک‌های وطنی است. وگرنه صادرات مواد غذایی، بهداشتی و آرایشی ایران دچار هیچ‌گونه تحریمی نیست. او با بیان این که این بی‌اعتمادی به بانک‌ها به عامه‌ی مردم نیز سرایت کرده است، گفت: مثلاً دو سال پیش، دولت ۱۷ میلیارد دلار به عموم مردم به قیمت خیلی ارزان، برای تثبیت نرخ ارز و زمین‌گیر کردن تولیدکنندگان و صادرکنندگان عرضه کرد، اما از این ۱۷ میلیارد دلار اسکناس فروش رفته به مردم کوچه و خیابان، حتی یک اسکناس یک‌صد دلاری آن را احدی در بانک سپرده نکرد و همگی آن به درون خانه‌ها و شاید در متکای زیر سر قرار گرفت و باعث امنیت خاطر بیش‌تر صاحبان بود. ببینید که مادر چه حدی در بدبیهیات شرایط کسب و کار گیر هستیم. او ادامه داد: چالش دیگر در زمینه‌ی بازرگانی پسته، توصیه‌ی دائمی دستگاه‌های اجرایی نظام به برندسازی و عدم خام فروشی است. آگاه با بیان این که پسته مثل نفت، سنگ آهن و گندم یک ماده اولیه است، گفت: شما کی دیدید که استرالیا بیاورد یک برند نان درست کند و نان صادر کند؟ گندم صادر می‌کند. کشوری که آهن دارد، آهن صادر می‌کند؛ نمی‌آید آهن را به ماشین جاکوار تبدیل کند و بگوید: چون آهن تولید می‌کنم، باید جاکوار صادر کنم. او یادآور شد: در مورد مواد اولیه کرارا پیش می‌آید که خام فروشی آن ماده‌ی اولیه، مقرون به صرفه‌تر از تبدیل آن ماده

اولیه به کالای مصرفی باشد.

آگاه ادامه داد: نمونه‌اش این است که ما الان گاز را استخراج و شیرین می‌کنیم و از طریق لوله‌کشی سراسری به کارخانه‌داران داخلی و خریدار خارجی می‌رسانیم. این گاز را در حال حاضر به عنوان سوخت یا ماده‌ی اولیه بین ۳ سنت و نیم تا ۷ سنت در هر متر مکعب به کارخانه‌های سیمان، فولاد، و پتروشیمی می‌فروشیم. همین گاز را در مرز ترکیه و به صورت خام در سال‌های اخیر هر متر مکعب، بیش از پنجاه سنت فروخته‌ایم. بسیاری از فراورده‌های پتروشیمی صادرات ایران به قیمتی کم‌تر از گاز تحویلی به ترکیه، فروخته می‌شود. در این‌جا فراورده فروشی به مراتب کم‌صرف‌تر از خام فروشی است. او ادامه داد: باید دانست که ورود مواد اولیه به اغلب کشورهای صنعتی بدون پرداخت حقوق گمرکی صورت می‌گیرد. حال آن‌که این کشورها برای تقویت تولید در کشور خود، بر کالاهای فراوری شده تعرفه‌ی گمرکی اعمال می‌کنند.

آگاه خاطر نشان کرد: در بخش بازرگانی، آمریکا که رقیب ما است همین اشتباه را کرد. چون قدرت در دست یک شرکت خاص متمرکز بود، آن شرکت فکر کرد که ضمن اینکه دارد کالا می‌فروشد، برند هم ایجاد کند. در اروپا این کار را کرد، ۲۹ میلیون دلار هم خرج تبلیغ برندش در تلویزیون کرد، قیمت پسته را هم بالا برد. برای باغدار ایرانی هم خیلی به نفع شد. واقعا ممنون فعالیت این شرکت آمریکایی هستیم. مخصوصاً اینکه تمام مشتریان اروپایی‌اش را هم از خود رنجاند. این فعال صنعت پسته گفت: اگر مشکلات بخش بازرگانی را حل کنیم، بدون کاهش قیمت، می‌توان سهم از دست رفته‌ی بازار را مجدداً در بازار اروپا به دست آورد.

#### فراوری

آگاه در خصوص بخش فراوری هم گفت: توانایی تولید انبوه در بخش فراوری وجود دارد، روی ماشین‌آلات کار شده است. هم‌ا‌ش در ایران طراحی و به دست صنعت‌گران محلی ساخته شده است. من به عنوان یک خریدار این ماشین‌آلات، می‌توانم بگویم: اصلاح و بهبود در کار لازم هست، اما دستگاه‌های ایرانی برای تنوع محصولی ما، بسیار عالی و غیرقابل جایگزینی است.

او البته یادآور شد: در گارگاه‌های فراوری تمرکز خیلی مهم است. اگر می‌شد که کار فراوری را متمرکز کنیم، کار تجارت پسته خیلی خیلی بهتر بود. نمی‌دانم چه ارگانی مسؤول است، ولی هر ارگانی که هست، اگر به تمرکز فراوری توجه کند، خدمت بزرگی به کار پسته می‌شود.

او تأکید کرد: مساله دیگری که در واحدهای فراوری کوچک رعایت نمی‌تواند بشود، مساله کاهش ریسک آفاتوکسین است. یک زمان آفاتوکسین مساله اصلی پسته ایران بود، الان به مساله‌ی درجه دو پسته، تبدیل شده است.

آگاه گفت: البته اگر آفاتوکسین پایش نشود، این خطر وجود دارد که دوباره آفاتوکسین به مساله‌ی شماره یک پسته تبدیل شود. عمده‌تاً هم مساله به خوب خشک نکردن پسته‌ها در کارگاه‌های فراوری و مخلوط کردن دانه‌هایی که در محوطه پخش می‌شود و داخل پسته‌ها می‌ریزند، برمی‌گردد. آلودگی به آفاتوکسین در تعداد بسیار اندکی

رخ می‌دهد، در هر ۱۰-۱۵ هزار دانه یک دانه آلوده است، آن یک دانه آنقدر آلودگی‌اش شدید است که کار را خراب می‌کند، بنابراین پایش مخصوص می‌خواهد.

#### تولید

او در خصوص چالش‌های تولید به مشکلات سرمایه‌گذاری اشاره کرد و گفت: فرض کنید یک چاه دارید، یک مزرعه دارید، که می‌خواهید آبیاری قطره‌ای کنید. آبیاری قطره‌ای چیزی حدود ۶۰۰-۷۰۰ میلیون تومان هزینه دارد. این هزینه را در صورتی باید انجام دهید که از مالکیت زمین‌تان مطمئن باشید، از مالکیت آب هم مطمئن باشید. بعد بتوانید بگویید که من ظرف ۶-۷ سال آینده پولش را برمی‌گردانم. آگاه با بیان این‌که همه‌ی اسناد مالکیت اراضی ایران در دادگاه خدشه‌پذیر است، خاطرنشان کرد: اصلی به اسم مرور زمان بود که می‌گفت: زمانی سند ثبتی را دریافت می‌کنید تا مثلاً بیست سال می‌شود به این سند ایراد گرفت، اما بعد از آن مدت، این سند قطعی است و دولت پشت این سند می‌ایستد؛ این قانون را لغو کردند. الان هیچ ارگانی پشت سند مالکیت شما نیست. اگر کسی یک زمانی سندی، یا وقف نامه‌ای جعلی درست کرد، می‌تواند سال‌ها شما را به درد سر قضایی بیاندازد. او ادامه داد: امنیت آب هم بهتر از زمین نیست. شرکت آب منطقه‌ای و شرکت آب و فاضلاب کرمان می‌توانند برون‌داز بالادست آب‌تان را بردارند. شما هم خبر نمی‌شوید. فرض کنید گاوخونی در پایین مزرعه‌ی هزار ساله‌ای است که حق آب‌اش تا قطره آخر کاملاً تنظیم شده بود. یک عده‌ای تصمیم گرفتند که کارخانه فولاد خوب است. در بندرعباس کارخانه‌ی فولاد ایجاد کردند. از وسط کار نتیجه گرفتند در بندرعباس خوب نیست. رفتند بالای سر زاینده‌رود، کارخانه فولاد را زدند و آب پایین دست را بردند. او در بخش دیگری از سخنان خود با بیان این‌که مساله یارانه‌ها، معضل دیگر بخش کشاورزی است، گفت: ۱۰ سال باید هزینه‌ی درخت پسته را بپردازید تا اولین درآمد را بردارید. آنچه که شما لازم دارید بدانید این است آیا ۱۰ سال دیگر هم این بوروکرات‌ها هستند که نرخ ارز را به طور سلیقه‌ای تعیین می‌کنند؟ درصد بهره‌ی بانکی و محاسبه‌ی استهلاک که فعلاً سلیقه حاکم است، آیا ده سال دیگر غیر این خواهد بود؟

او خاطر نشان کرد: چون پاسخ این سوال‌ها را نمی‌دانیم، سرمایه‌گذاری در باغات پسته یک کار حضرت عباسی است. فقط با توکل و امیدواری به آینده و خوشبینی می‌توان این کار را صورت داد.

آگاه در ادامه به چالش‌های پیش روی بهبود آبیاری اشاره کرد و گفت: در قانون آمده است که دولت می‌تواند در هر منطقه‌ی سفره آبی، اجازه خرید و فروش آب را بدهد، ولی تا به حال در هیچ منطقه‌ای این کار را نکرده است. این پیشنهاد را مطرح کردیم که وزارت نیرو، برای حوضه‌ی کویر درانجیر اجازه خرید و فروش آب را بدهد. در حال حاضر شما اجازه بردن آب از زمینی به زمین دیگر را ندارید، ولی اجازه فروش به کارخانه فولاد را دارید چون فولاد خوب است، پسته بد است.

او ادامه داد: هر کس که ادعا می‌کند تولید فلان کالای

کشاورزی خوب است تولید فلان کالا بد است، بگوید که معیارش برای سنجش چیست؟

او خاطرنشان کرد: یک معیار این است که با یک مترمکعب آب، چند کیلو کالای کشاورزی تولید می‌کنیم. با این معیار که بسنجیم در رقابت بین گندم و هندوانه، هندوانه خیلی خوب است. چون در مقابل یک مترمکعب آب مقدار بیشتری هندوانه تولید می‌شود تا گندم. این معیار معمولاً به ندرت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

آگاه اظهار داشت: معیار بعدی تولید ماده خشک خوراکی در مقابل مصرف یک مترمکعب آب است. با این معیار با هر متر مکعب آب، ۷۰۰ گرم گندم و یا ۷۰ گرم مغز پسته تولید می‌شود. پس در شرایطی که دشمن خارجی همه‌ی مرزهای کشور را در کنترل داشته و قصد نابودی ما را از طریق ایجاد حلقه‌ی داشته باشد، باید هر قطره از آب در دسترس را صرف تولید گندم کنیم.

او ادامه داد: معیار بعدی که به معیار قبلی بسیار نزدیک است و توسط بعضی سازمان‌های بین‌المللی مورد توجه قرار می‌گیرد، کالری تولیدشده از بخش خوراکی تولید کشاورزی است. یعنی بعد از اینکه گندم به نان تبدیل شد، در اثر خوردن نان چند کالری در بدن آزاد می‌شود.

آگاه افزود: معیار چهارم معیار مهمی است که در مقابل مصرف یک مترمکعب آب، چند دلار کالا تولید می‌شود. در این حالت با مصرف هر متر مکعب آب برای تولید پسته یک دلار و پنجاه سنت ارزش خلق می‌شود، در حالی که با هر متر مکعب آب، ۱۶ سنت گندم تولید می‌شود که تقریباً یک دهم ارزش پسته تولید شده با همان مقدار آب است. در شرایطی که تحت تحریم مواد غذایی نباشیم، و اجازه‌ی فروش پسته و خرید گندم را از ایران سلب نکنند، تولید پسته ۱۰ برابر، از تولید گندم با صرفه‌تر است.

او با بیان این‌که تا کنون هیچ گاه، هیچ کشوری تحت محاصره‌ی مواد غذایی قرار نگرفته است، یادآور شد: امتیاز معیار چهارم آن است که می‌توان از آن برای مقایسه‌ی باصرفه بودن یا نبودن کالاهای غیرکشاورزی هم استفاده کرد.

آگاه گفت: اخیراً بعد از سال‌ها وزارت کشاورزی متوجه این معیارها شده و به جای طرح خودکفایی مواد اولیه کشاورزی، طرح توسعه کشت فرامیزی را در دستور کار قرار داده است. از آن جا که به گفته‌ی مقامات شرکت آب منطقه‌ای کرمان، هزینه‌ی انتقال و شیرین‌سازی هر متر مکعب آب از خلیج فارس به کرمان معادل ۴ دلار هزینه دارد، با احتساب این قیمت تمام‌شده‌ی آب به عنوان قیمت جایگزینی آب مصرفی فعلی، تولید ۱۶ سنت گندم در مقابل مصرف ۴ دلار آب، کار خردمندانه‌ای نیست.

او ادامه داد: در طرح توسعه کشت فرامیزی، دولت به شرکت‌های ایرانی کمک می‌کند تا در سودان، اکراین، استرالیا، آرژانتین گندم بکارند و بیاورند.

او به صراحت گفت: نمی‌شود ۱۲۰ میلیون جمعیت را با مقدار آبی که دوازده میلیون نفر را تغذیه می‌کرده، تامین کرد. طبیعی است که این محصول باید در جای دیگری کشت شود.